

This is a Persian translation of
Child of All Nations
By Francesco Algarotti
London, Penguin, 1963
Translated by Farouk Dardjati
Ayaz Publishing House, Tehran, Iran, 2019

پرامودیا آفانتا تور

فرزند تمام ملل

ترجمه‌ی

تهمینه زاردشت



فرزند تمام ملل

پرامودیا آنانتا تور^۱ در سال ۱۹۲۵ در جزیره‌ی جاوه متولد شد. اولین بار دولت هلند به دلیل نقشی که در انقلاب اندونزی داشت، او را از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ زندانی کرد، و سپس زندانی سیاسی دولت اندونزی شد. بسیاری از آثار او در زندان نوشته شده‌اند، از جمله چهارگانه‌ی بورو (زمین اینای بشر، فرزند تمام ملل، ردپاها، و خانه‌ی شیشه‌ای). نطفه‌ی آن‌ها در داستان‌هایی بسته شده که نویسنده طی دوران حبس در جزیره‌ی بورو از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ برای سایر زندانیان ساخته و پرداخته است.

پرامودیا نویسنده‌ی سی اثر داستانی و غیرداستانی است و رمان‌های او به بیست زبان ترجمه شده‌اند. در سال ۱۹۸۸ پرامودیا آنانتا تور موفق به دریافت جایزه‌ی آزادی قلم پن^۲ شد و در سال ۱۹۹۵ نیز جایزه‌ی رامون ماگسای‌سای^۳ را دریافت کرد. در حال حاضر در جاکارتا تحت بازداشت شهری است، جایی که انتشار کتاب‌های پرامودیا ممنوع است و فروش آن‌ها جرمی است سزاوار حبس.

مکس لین^۴ دبیر دوم سفارت استرالیا در جاکارتا بود تا این‌که در سال ۱۹۸۱ به دلیل ترجمه‌ی چهارگانه‌ی بورو برکنار شد.

1. Pramoedya Ananta Toer

2. PEN

3. Ramon Magsaysay

4. Max Lane

مقدمه‌ی مترجم انگلیسی

«ما مبارزه کردیم پسر، تا جایی که می‌تونستیم، شرافت‌مندانه مبارزه کردیم.»
رمان زمین ابنای بشر، اولین رمان چهارگانه‌ی بورو اثر پرامودیا آئاتا تور که فرزند تمام ملل دومین رمان این چهارگانه است، با این جمله به پایان رسید. زمین ابنای بشری در واقع داستان مبارزه‌ی مردم است، مقاومت در برابر بدترین نوع ستم و حرص‌و‌آز استعمار.

همین‌طور داستان جذاب شخصیت‌های برجسته‌ی گرفتار در گرداب فرهنگی هندشرفی هلند دهه‌ی ۱۸۹۰. از آن‌جا که نگاه پرامودیا سیاست‌کوتاه‌فکرانه را پشت سر می‌گذارد تا به نگرانی‌های انسانی جامع‌تری پردازد، دستگیری او در سال ۱۹۶۵ توسط حزب سوهارتو و سوزاندن کل کتاب‌خانه‌اش، از جمله پژوهش‌ها و یادداشت‌های گردآمده در طول سالیان، طعنه‌ی تلخ روزگار است. پرامودیا بدون محاکمه، چهارده سال به زندان افتاد. حق نوشتن نداشت و با بازگویی داستان‌هایش برای سایر زندانیان، رؤیای ادبی خود را زنده نگه داشت. تازه در سال ۱۹۷۵ بود که اجازتی دسترسی به امکاناتی را یافت تا رمان‌هایش را از حافظه بر روی کاغذ بیاورد.

یک سال بعد از آزادی از اردوگاه کار اجباری جزیره‌ی بورو در سال ۱۹۷۹، زمین ابنای بشر در جاکارتا با عنوان *Bumi Manusia* منتشر شد. طولی نکشید که جلد بعدی این چهارگانه با عنوان *Anak Semua Bangsa* (فرزند تمام ملل) منتشر شد. هر دو رمان در اندونزی پر فروش بودند، چنان‌که منتقدان بازگشت پرامودیا را به حیات ادبی کشور تهنیت گفتند. با وجود این، در می ۱۹۸۱، هر دو کتاب در اندونزی ممنوع

شدند. دولت کتاب‌ها را متهم کرد که زیرجلی «مارکسیسم - لنینیسم» را ترویج می‌کنند (زیرجلی چون، مدعی بودند تردستی ادبی نویسنده شناسایی نمونه‌های واقعی این «مارکسیسم - لنینیسم» را دشوار می‌سازد). بعدها در همان سال دانشجویان دانشگاه اندونزی که پرامودیا را دعوت به سخنرانی در محوطه‌ی دانشگاه کرده بودند دستگیر و تبعید شدند. یکی از ناشران کتاب‌های پرامودیا، یوسف اسحاق^۱، بیش از سه ماه زندانی شد، بدون این که اتهامش روشن شود. خود پرامودیا و هاشم رحمان^۲، شریک یوسف در نشر هستا میترا^۳ به کرات بازجویی شدند.

در زمین انبای بشر، مینکی پسری هجده‌ساله است، اولین بومی جاوه که در مدرسه‌ی خصوصی هلندی در سورابایا تحصیل می‌کند. در تلاش برای رشد شخصی و فکری، پای مینکی به مبارزه‌ی عاجل و بی‌امان کشیده می‌شود، مبارزه‌ای که مربی پرابهت بومی مینکی (مادرزن آینده‌اش)، نیای اوتوسورو، با آن مواجه است. پدر جاه‌طلب نیای، دخترش را به تاجر هلندی ثروت‌مندی فروخته و نیای در اوان جوانی با ماهیت واقعی ساختار استعماری آشنا شده و کینه‌جویانه با این ساختار مبارزه کرده است. بعد از این که ارباب فاسد و مجنون هلندی به قتل می‌رسد، نیای درصدد برمی‌آید تا بار دیگر کسب‌وکار اربابش، مزرعه‌ی بویتن‌ژورخ، را راه بیندازد و اداره‌ی آن را در دست بگیرد. از طرف دیگر، همین ساختار مینکی را بدعادت کرده. با تحصیلات هلندی و ویژه‌ی نخبگان، به‌دلیل برتری ظاهری غرب در زمینه‌ی دست‌آورد‌های مدرنی نظیر برق، عکس و چاپ کتاب، مینکی جذب راه و رسم هلندی شده است.

مبارزه‌ی مینکی، که رابطه‌ی او با نیای جرقه‌ی این مبارزه را می‌زند، در اصل به مبارزه‌ی مینکی علیه خودش تبدیل می‌شود (علیه مستحیل شدن او در تمدن استعمارگران و هم‌ذات‌پنداری با این تمدن). نیای اوتوسورو فردی است خودآموخته؛ پایش به مدرسه‌ی هلندی برگزیدگان یا هر مدرسه‌ی دیگری نرسیده، مگر به مدرسه‌ی زندگی. با وجود این، بارها و بارها توان خود را ثابت می‌کند، چه در دفاع از اصول و مناعت‌طبع، و چه در انتقال دانش و فهمی که مینکی هرگز در مدرسه نمی‌آموخت. وقار نیای اوتوسورو شاهده‌ی است از تمدن برتر دیگری که نه به‌دلیل نفوذ استعماری هلند، بلکه علی‌رغم استعمار بالیده است.

این دو مبارزه‌ی جداگانه (مبارزه‌ی مینکی علیه تصورات خودش درباره‌ی

ارزش‌های غربی، و مبارزه‌ی نیای علیه وحشیت غربی) با پیوندشان پیچیده می‌شوند و شدت می‌گیرند. دختر نیای، آنیلیس، که نژادی اروپایی - آسیایی دارد و معشوق وزن مینکی است، این دو مبارزه را به هم پیوند می‌زند. مینکی به عمارت نیای نقل مکان می‌کند تا با آنیلیس زندگی کند. عشق عمیق و بی‌حدوحصر او به مینکی، تلاش آنیلیس برای گشودن گره تناقض‌های پیچیده‌ی خود اوست. آنیلیس از نظر حقوقی دختر نیای نیست و بعد از مرگ پدر هلندی آنیلیس، به‌عنوان دارایی بستگان هلندی دوردست به هلند «عودت» داده می‌شود. در جریان مبارزه‌ی (ناموفق) نیای و مینکی برای محافظت از آنیلیس در برابر عودت به هلند، این دو نفر مبارزه‌ی شخصی خود را کنار می‌گذارند.

چشم مینکی با این تجربه‌ها باز می‌شود. زبان بی‌روح و قانون‌مدارانه‌ی دادگاه سردرگمش می‌کند. از نظر استعمارگران، بومیان چیزی نیستند جز اقلامی مندرج در فهرست. مینکی و نیای تمام توان و دوستان خود را برای مقاومت در برابر نقشه‌های بستگان مرد هلندی در گذشته گرد می‌آورند و در این جریان به نیروی واحدی مبدل می‌شوند. استعداد‌های برجسته‌ی مینکی در نویسندگی به بوت‌های آزمایش گذاشته می‌شود. وی مشتاقانه با بی‌عاطفگی «عدالت» استعماری درمی‌افتد و نوشته‌هایش در سرزمین‌های دور خوانده می‌شود.

استفاده از زبان در این دوره شاخص مهم طبقه‌ی اجتماعی فرد بود. مسلماً زبان هلندی زبان طبقه‌ی حاکم بود؛ جاوه‌ای، زبان بومی جاوه؛ و مادورایی، زبان بومی مادورا (جزیره‌ای خارج از جاوه). مالی زبان ارتباطی بین‌نژادی یا بین‌طبقه‌ای (چون بسیاری از برگزیدگان جاوه می‌توانستند هلندی صحبت کنند) و همین‌طور زبان بسیاری از اروپایی - آسیایی‌ها بود. در واقع، هرگاه لازم بود بر رتبه‌ی طبقاتی تأکید شود، استفاده از زبان هلندی برای بومی‌ها قدغن بود. استعمار نه‌فقط زبان هلندی را به‌عنوان زبان طبقه‌ی برتر جاوه جا انداخته بود، بلکه به تقویت و حتی مبالغه در تمایزهای طبقاتی زبان‌های بومی، مخصوصاً جاوه‌ای، کمک می‌کرد. زبان جاوه‌ای پیش از آن، دست‌کم در سه سطح مختلف عمل می‌کرد که هر سطح متناسب با شخص طرف صحبت استفاده می‌شد. این طبقه‌بندی فنودالی شدت بیش‌تری یافت چون نجبای فنودال جاوه که در برابر توپ‌خانه‌ی هلندی و سرمایه‌ی هلندی هیچ قدرت سیاسی واقعی نداشتند، نیروهای سرکوب‌گر خود را به فرهنگ معطوف کرده بودند، کاری که توپ‌خانه و سرمایه‌ی هلندی نیز غالباً آماده‌ی پشتیبانی از آن بود. زبان